

## ازدواج در اسلام و فطرت\*

-۲-

**گفائت:** همطراز و هم سطح بودن زن و شوهر که **گفائت** یا **گفویت** نامیده می شود از جمله اموری است که در اجتماع و مذهب رعایت شده ، ولی نسبت به حدود و قیودش اختلاف انظار پیدا شده است .

از نظر اسلام ، **گفویت** زن و شوهر ، تنها نسبت باعتقاد دینی (دین اسلام) لازم است بنحوی که ازدواج مسلمان را با کافر باطل میدانند؛ حتی اگر یکی از دو همسر مسلمان ، بعد از ازدواج بکفر گراید ، ازدواج آنها باطل و منفسخ می شود ؛ لیکن **گفویت** در اموری دیگر ، مانند : جهات مالی ، آموزشی ، نژادی ، تمایلات جنسی و غیره از نظر اسلام لازم نیست ؛ سپس اسلام بهر داند توصیه می کند : بمال و جمال زن نظر اصلی و استقلال نداشته باشید ، بلکه برای شما بهتر است ، جنبه های معنوی و اخلاقی زن را که اصالت و نجابت خانوادگی او است در نظر گیرید و به دختران توصیه می کند: هرگاه مرد مسالمانی که به خواستگاری شما آمده است درآمدی بقدر کفاف زندگی داشته باشد و میگسار و بد اخلاق نباشد ، ازدواج با او را بپذیرید .

اینک نظر اسلام را ضمن چند بخش تحلیل و بررسی می کنیم :

**نزوم اسلام:** فقهاء اسلام ازدواج مسلمان را با کافریکه منکر خدا باشد و یا مشرکی

---

\*\* این مقاله قسمت سوم مقاله «ارکان فقهی و اجتماعی اسلام» است که به مناسبت رکن چهارم «نسب» وارد مسائل فریزه جنسی و ازدواج شدیم و قسمتی را درمقال سابق و برخی را در این مقال بررسی نمودیم ، لیکن چون مطالب این قسمت کامل نبود دومقاله «تحریر محل نزاع» و «لیس للانسان الاماسعی» در میان ، فاصله شد .

که منکر توحید باشد، باطل می‌دانند؛ چه آنکه کافر شوهر باشد و چه زن و در این مورد هیچگونه اختلافی ندارند؛ زیرا آیه شریفه قرآن بر این مطلب صراحت کامل دارد:

ولانکحوا المشرکات حتی یرمن ولأمة مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبکم ولانکحوا المشرکین حتی یؤمنوا ولعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم<sup>۱</sup>.

و ازدواج مسلمان با اهل کتاب (مانند کلیسی و مسیحی) در صورتیکه زن مسلمان باشد، به اتفاق فقها باطل است. و اگر شوهر مسلمان باشد، برخی جایز و برخی باطل دانسته‌اند.

**استدلال عقایی:** بهترین زندگی زناشویی آنستکه زن و شوهر در مبانی و اصول زندگی هم عقیده باشند، تا در نتیجه، اتحاد هدف، تناسب اخلاق و گرایش روحی پیدا کنند. لازمه ازدواج اینست که یک عمر دو تن در غم و شادی یکدیگر شریک باشند و چنین شرکتی با اختلاف عقیده، تلخ و ناگوار و سخت و بی‌دوام است. اسلام در تمام امور زندگی از خوردن و پوشیدن گرفته تا زادن و پروردن، دستور و فرمان دارد که مسلمان همه را لازم الاجرا می‌داند و کافر نسبت به همه بی‌اعتناء است. علاوه بر آنکه در لوازم و فروع ازدواج همچون کابین و نفقه و طلاق اختلاف عقیده دارند؛ پس ازدواج مسام و کافر، مانند اجتماع ضدین است و مستلزم تناقض در زندگی است؛ مگر آنکه یکی از دو همسر نسبت به عقاید خویش بی‌اعتنا شود و تا سرحد التزام به عقاید مخالف قابل انعطاف باشد. در آن صورت هم کفویت حاصل است.

و اما کسانی که ازدواج مرد مسلمان را با زن یهودیه و مسیحیه جایز دانسته‌اند استدلال می‌کنند که: مرد در خانواده خویش دارای نفوذ و تسلط است و زن و فرزند، ناظر اخلاق و پیرو رفتار او هستند؛ لذا مرد مسلمان می‌تواند با حسن عمل و اخلاق شایسته اسلامی خویش، افراد خانواده را به دیانت اسلام شائق و متمایل گرداند و اگر غیر از این باشد ازدواج را جایز نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

۱- با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آورند. کنیزی که مؤمن باشد از زن مشرک بهتر است. اگرچه شمار ۱ از او خوش آید و بمردان مشرک شوهر مکنید مگر آنکه ایمان آورند، غلامی که مؤمن باشد از مرد مشرک بهتر است اگرچه شمارا از او خوش آید. بقره ۲۲۱.

۲- الفتاوی محمود شلتوت ص ۲۳۸.

**عدم ازوم غیراسلام :** اسلام غیر از کفویت دینی ، کفویت دیگری را لازم نمیشمارد و تنها بمردان توصیه می‌کند: بهتر است چنین صفاتی را در همسر خویش در نظر گیرند :

۱- از خاندانی نجیب و اصیل باشد .

پیغمبر (ص) فرمود : از سبزی روی مزبله بپرهیزید . پرسیدند : سبزی روی مزبله چیست ؟ فرمود : زن زیبایی که در خانواده بدی پرورش یافته باشد<sup>۳</sup> .

۲- دارای خلق نیک باشد<sup>۴</sup> . ۳- شوهر دوست باشد<sup>۵</sup> . ۴- پاکدامن و عفیف باشد<sup>۶</sup> . ۵- در خانواده اش گرمی و نسبت بشوهرش فروتن باشد<sup>۷</sup> .

۶- در غیاب شوهر مال او و عفت خود را حفظ کند<sup>۸</sup> . ۷- در حسب و نسب مادون شوهر باشد<sup>۹</sup> (تابشوهر بنظر تحقیر ننگرد) . ۸- باکره و زاینده باشد<sup>۱۰</sup> (یائسه و عقیم نباشد) . ۹- شوهر از دیدارش شاد شود<sup>۱۱</sup> .

امام صادق علیه السلام فرمود : زن برای شوهرش مانند گردن بند است ، بنگر که چگونه گردن بندی برای خود انتخاب می‌کند. زن قیمت ندارد ، نه شایسته و نه ناشایستش : زن شایسته باطلا و نقره برابری نکند ، چون آواز طلا و نقره بهتر است وزن ناشایسته با خاک برابری نکند ، زیرا خاک از او بهتر است<sup>۱۲</sup> .

در مبانی اجتماعی و غیر اسلامی هم صفاتی برای زن منتخب معین شده است . در تورات آمده است که :

- ۳- قال رسول الله (ص) ایام و خضراء الدمن . قيل وما خضراء الدمن ؟ قال : المرأة الحسنة فی منبت السوء . وسائل ج ۱۴ ص ۱۹ .
- ۴- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۴ .
- ۵- وسائل ج ۱۴ ص ۱۴ .
- ۶- وسائل ج ۱۴ ص ۱۵ .
- ۷- وسائل ج ۱۴ ص ۱۴ .
- ۸- وسائل ج ۱۴ ص ۲۲ .
- ۹- وسائل ج ۱۴ ص ۴۷ .
- ۱۰- وسائل ج ۱۴ ص ۳۳ .
- ۱۱- وسائل ج ۱۴ .

۱۲- سمعت ابا عبد الله (ع) يقول : انما المرأة قلاة ، فانظر ماتتقلد ، وليس للمرأة خطر ، لالصالحتهن ، ولاللالحتهن فاما صالحتهن فليس خطرهما الذهب والفضة . هي خير من الذهب والفضة ، واما طالحتهن فليس خطرهما التراب . التراب خير منها . وسائل ج ۱۴ ص ۱۷ .

- ۱- اختلاف فاحش بین سن زن و مرد بسیار نکوهیده است<sup>۱۳</sup>.
  - ۲- مرد بلندقد نباید بازن بلندبالا ازدواج کند. مبادا که فرزندانشان دراز و لاغر شوند<sup>۱۴</sup>، سپس ازدواج سفیدروی را با سفیدروی نهی می‌کند تا اولادشان زیاده از حد سفیدنشوند و نیز ازدواج سیاه‌چرده را با سیاه‌چرده نهی می‌کند.
  - ۳- یکدرجه پائین‌بیا و آنوقت زن بگیر<sup>۱۵</sup> (بامادون شان خود ازدواج کن).
  - ۴- دونفر که می‌خواهند باهم ازدواج کنند، باید از جهات روحی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی متناسب یکدیگر باشند<sup>۱۶</sup>.
  - ۵- باید از نظر جنسی تعادلی بین آنها برقرار باشد. اگر مرد از نظر جنسی سست و ناتوان است و زن شهوی و مردپرست، این عدم تطابق موجب اختلافات و اختلالات فوق‌العاده شدید خواهد شد<sup>۱۷</sup>.
  - ۶- پیش از ازدواج، باید زن و شوهر هم‌زبانی و علائق مشترک و توافق در مورد اولاد و آینده زندگی خود را مشخص کنند<sup>۱۸</sup>.
- تطبیق:** کسانی که این صفات را برای زن منتخب برمی‌شمارند، یا وجود آنها را حتمی و لازم می‌دانند و یا بهتر و شایسته‌تر، و در هیچ‌یک از این دو صورت با دستورات اسلامی تطابق ندارد. زیرا اگر تناسب در امور اجتماعی و اقتصادی و آموزشی را بین زن و مرد لازم بدانیم و یا به سفیدی‌چهره و سیاه‌چرذگی پابند باشیم، نود درصد از دواجها کاسته می‌شود، و جوانان را در انتظار همسر متناسب بکمر خمیدگی و سرازیری درگور می‌کشانیم. علاوه بر آنکه بچه دلیل باید در عقائد و آزادی مردم دخالت کنیم و نظری بیگانه‌ها در امر خصوصی زن و شوهر تحمیل نمائیم. پیداست که ارزش و معیار جهات اجتماعی و آموزشی و غیره در انتظار مختلف‌است و تفاوت کسر و انکسارش شدیدتر،

۱۳- گنجینه تلمود ص ۱۸۱ ج ۱۴

۱۴- تورات، باب ۱۹، سفر لاویان آیه ۲۹.

۱۵- گنجینه تلمود ص ۱۸۲.

۱۶- بهداشت ازدواج ص ۱۰.

۱۷- خانواده و بهداشت ص ۳۲.

۱۸- ماخذ سابق، ص ۲۰-۲۹.

چه آنکه ممکن است سن زیاد همسر با معلومات زیادش در نظر برخی برابری کند و در نظری دیگر یکی از آنها رجحان یابد و همچنین است ضعف اقتصادی بارشداخلاقی او. از نظر اسلام رعایت هیچیک از این امور در صحت ازدواج مؤثر نیست و زوجین در انتخاب همسر خویش مختار و آزادند، و تنها رعایت «دین اسلام» بدلیلی که در سابق بیان شد لازم است.

و اما هرگاه از نظر ایشان صفات مزبور برای زن منتخب حتمی نبوده، بلکه بعنوان توصیه و پیشنهاد اصلاح باشد، باید بگوئیم: آیا رعایت عفت و نجابت زن - که اسلام می گوید - قابل توصیه است، یا تعادل جنسی و سفیدی چهره؟! آیا امانت و خلق نیک زن مهمتر است یا تناسب اجتماعی و کوتاه و بلند اندام وی؟! یگانه عاملی که زناشویی را استحکام و رونق می بخشد، صمیمیت و یگانگی زن و شوهر است و آن جز در سایه عفت و نجابت و شایستگی های اخلاقی بدست نیاید. از اینرو اسلام نسبت بسایر مکاتب درباره این امور تأکید و پافشاری بیشتری دارد.

**مال و جهال:** از نظر اسلام، مرد نباید زن را تنها بخاطر مال و جمالش بخراهد و اصالت و نجابت را فراموش کند.

پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه بازنی تنها بخاطر جمالش ازدواج کند، با آنچه دوست دارد نرسد و کسیکه بازنی بخاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال واگذار کند<sup>۱۹</sup> (و خود باو نظر رحمت نفرماید).

**توضیح:** در این حدیث نکوهش ازدواج، در صورتی است که اگر مال و جمال زن نباشد، ازدواج صورت نگیرد. در اینجا چه نکته شریف و اندازه گیری دقیقی از مال و جمال زن استنباط می شود؛ هنگامیکه این حدیث را در ردیف حدیث دیگری گذاریم که خود آن حضرت می فرماید: بهترین زنان امتم زنی است که جمالش زیباتر و کابینش کمتر باشد<sup>۲۰</sup>. یعنی آنچه مذموم است تکیه کردن بر مال و جمال زن و عنایت و لطف خدا را

۱۹- قال رسول الله (ص): من تزوج امرأة لا يتزوجها الا لجمالها، لم يرفيها ما يحب. ومن تزوجها

لمالها، لا يتزوجها الا له، وكله الله اليه. فليكم بذات الدين. وسائل ح ۱۴ ص ۳۱.

۲۰- افضل نساء امتي اصبحهن وجها وقلهن مهرا. وسائل ابواب المهور. باب ۵ ح ۹.

فراموش کردن است ، ولی هرگاه شوهر عنایت خدا را در مال و جمال زن ببیند و او را از نظرنیک دانستن پیغمبر اکرم (ص) نیکوداند ، آن زن از جمله بهترین زنها و آن ازدواج از جمله بهترین ازدواجها باشد .

اکنون اگر همین مطلب را از قالب شناخت اسلامی درآورده ، لباس روانکاوی اجتماعی بر آن بپوشیم می‌گوئیم :

ازدواجی که تنها بر پایه زیبایی ظاهری صورت گیرد ، غالباً مزایای روحی و شایستگی‌های اخلاقی همسر در آن فراموش می‌شود و چنان ازدواجی خیلی زود بسردی گراید زیرا زیبایی چهره بزودی بازیچه ایام و مورد دستبرد طبیعت قرار گیرد ، علاوه بر آنکه زیبایی فوق‌العاده زن ، موجب گمراهی او می‌شود ، زیرا کمتر زنی است که بتواند خود را در برابر مردان ریاکار و چرب‌زبان حفظ کند ، مگر آنکه اصالت و نجابتی را که اسلام توصیه می‌کند دارا باشد .

و نیز کسیکه طالب همسر متمول و ثروتمند است ، بدون آنکه بشرافت اخلاقی او توجه کند ، باید بداند که این‌گونه همسران غالباً با خود تکبر و تفاخر و خودخواهی و کم‌شعوری و بیدانسی و رنج و غصه را همراه می‌آورند .

و اما راجع به **میگساری همسر** باید گفت که ازدواج از نظر اسلام بیشتر بخاطر تولید نسل شایسته و صالح است و تجربه و علم پزشکی ثابت کرده است که فرزندان الکلیک جسماً و روحاً ناقص و معیوبند .

**دکتر ساپتکف** گوید : شخص الکلیک نه تنها در زمان حیات خود با اجتماع زیان می‌رساند ، بلکه بعد از خود نیز اعقاب ناقص‌العیاری باقی می‌گذارد ؛ زیرا الکل بر روی پلاسمای نطفه اثر می‌گذارد . کودکانی که از شخص الکلیک دنیا می‌آیند ، اغلب ناقص و مبتلا به بیماریهای سنگین هستند<sup>۲۱</sup> .

**نتیجه :** خلاصه بحث ، « کفویت » اینست که : اسلام نسبت به لزوم مسلمان بودن همسر ، حکم **موانوی** دارد و نسبت به عدم میگساری و مراعات جهات روحی و اخلاقی ،

## حکم ارشادی ۲۲ .

و نیز بحکم ارشادی صفات دیگری را هم برای شوهر پیشنهاد می‌کند :

۱- امام صادق(ع) فرماید : کفو زن مسلمان ، مردی است که پاکدامن باشد و مالی داشته باشد<sup>۲۳</sup> .

۲- پیغمبر اکرم(ص) فرماید: بهترین شمار مردان کسی است که با همسرش خوش رفتارتر باشد<sup>۲۴</sup> .

۳- امام صادق(ع) فرماید : مرد مسلمان هر چند ایمانش افزایش یابد ، بهمان نسبت دوستی او با همسرش افزون شود<sup>۲۵</sup> .

### بهترین زندگی زناشویی :

مقصود از عنوان بالا اینست که : چون ازدواج ترکیبی است از دو جنس مخالف که عمری باید ادامه یابد ، بنابراین زن و شوهر از چه برنامه‌ئی باید پیروی کنند و نسبت بیکدیگر چگونه تفکر و بینشی داشته باشند ، تا زندگی آنها قرین رفاه و سعادت باشد و خود و فرزندانشان با آسایش خاطر زندگی کنند .

در این مورد هم می‌گوئیم : تنها خالق مهربان و دانای آشکار و نهان انسان است که اولاً حق پیشنهاد چنین طرحی را دارد و ثانیاً حق راهنمایی در اجراء و پیاده کردن این طرح شایسته مقام او می‌باشد و خوشبختانه آفریدگار انسان هر دو مورد را بعهدہ گرفته

۲۲- حکم مولوی در اصطلاح متشرعه. امر و نهی لازم الاجرائی است که امتثالش پاداش و مخالفتش کیفر دارد. اگرچه عقل، حسن مأمور به و قبح منهی عنه را درک نکند مانند وجوب نماز و روزه و حرمت زنا و اکل میته و حکم ارشادی آنستکه موضوعی را که عقل نیکو می‌شمارد شارع هم بدان امر کند و آنچه را عقل قبیح می‌شمارد شارع از آن نهی فرماید ، و در امتثالش پاداشی نباشد و در مخالفتش کیفری وجود نداشته باشد ، بلکه تنها آثار وضعی و طبیعی عمل دامنگیر انسان شود ، چنانکه اسلام فرموده است : دندان را مساوئکن و از نشستن بای دیوار شکسته پرهیز نما .

۲۳- عن ابی‌عبدالله (ع) قال : الکفو ان یكون عقیفاً و عنده یسار . وسائل ج ۱۴ ص ۵۱ و ۵۲ .

۲۴- وقال (ص) : الاخیر کم خیر کم لنساءه . وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۲ .

۲۵- عن ابی‌عبدالله (ع) قال : ما اظن رجلاً یزاد فی الایمان خیراً الا ازاد حباً للنساء . وسائل ج ۱۴

ضمن آیات و احادیث اسلامی بیان فرموده است.

**طرح اسلام:** راجع به پیشنهاد و طرحی که اسلام در این مورد دارد، تنها به بیان و توضیح یکی از آیات قرآن مجید مناسب حال و مقام اکتفا می‌کنیم: هن لباس لکم وانتم لباس لهن .

آیه شریفه را چه آنکه استعاره بدانیم و چه تشبیه با حذف ادات، حاصلش این است که زن و شوهر نسبت بیکدیگر حکم لباس و پوشاک را دارند. برای توضیح و تشریح مطلب لازم است اموری که موجب رفاه و سعادت زندگی زناشویی است برشمیریم و سپس به تطبیق با آیه شریفه پردازیم. اصول سعادت دوهمسر در امور زیر خلاصه می‌شود:

۱- **ازوم:** موضوع تاهل و احتیاج بهمسر از جمله نیازهای طبیعی و حوائج غریزی انسانست و سلامت جسم و روان؛ بلکه بقاء نوع انسان بدان مربوطست که نه می‌توان از آن چشم پوشید و نه آنرا وسیله ارضاء غریزه موقت دانست، زوجین سعادت مند با چنین نظروبینشی بازدواج می‌نگرند و فکر طلاق و مجرد دسر نمی‌پرورند.

۲- **یگانگی:** جوهر و روح يك ازدواج شایسته، صمیمیت و نزدیکی روحی و فکری عمیقی است که ارتباط مرد و زن را بصورت ثمربخش‌ترین تجارب انسانی در می‌آورد و از دوتن یکتن می‌سازد. زوجین هر چند چنین اتحادی را مستحکم تر سازند، سعادت و رفاه بیشتری خواهند داشت.

۳- **سودوزیان متقابل:** ازدواج مشارکتی است میان دوتن در هر گونه سود و زیانی چه آنکه بیماری و افسردگی زن، برای شوهر هم زیان دارد و سود و سلامت شوهر برای زن هم فرح بخش است، زیرا زن و شوهر سودوزیان خود را در یک خانه می‌آورند و در یک مرکز تشریک مساعی می‌کنند. بدون هیچگونه مبالغه و اغراقی باید گفت زنی سعادت مند است که چنانچه برای خود ملالت و پریشانی نمی‌خواهد برای شوهرش هم نخواهد و موجبات آنرا فراهم نسازد و نیز شوهر هم باید درک کند که عزت و سرافرازی زن و یا رنج و بیماریش بخود او هم سرایت می‌کند.

۴- **توقع مناسب:** زوجیت بخاطر آمیزش و الفت و تولید نسل و دوری از تنهایی و غربت



است. توقع زوجین از یکدیگر باید در چهارچوب این امور محدود و منحصر شود، نه آنکه شوهر مثلاً ترفیع مقام خود را از فامیل زن انتظار داشته باشد و یازن کسب ثروت و شهرت را از ناحیه شوهر متوقع باشد، بنحویکه اگر خواسته آنها عملی نشود، دلسردی و کدورت ایجاد شود و صفا و مودت رخت بر بندد، زن و شوهر نیکبخت باید بدانند که نتیجه توقع بیجا و انتظار ناروا ملالت خاطر و زوال آسایش است.

۵- عیب پوشی: دوهمسریکه می‌خواهند زندگی آنها قرین آسایش باشد، باید پرده‌دار و عیب‌پوش یکدیگر باشند.

هریک از آنها علاوه بر آنکه عیب همسر خود را نمی‌گویند و افشا نمی‌کند، اگر از دیگری هم شنید، مخالفت و توجیه می‌کند و بلکه از پیش‌بران پرده می‌افکند.

۶- آزادی مناسبات: زوجین سعادت‌مند در امور زندگی از فطرت و احساس خود پیروی می‌کنند و با آزادی که فطرت و احساس آنها را آفریده و ایشان را بدان سوی رهبر کرده است؛ نه از سلیقه‌های مختلف و مقررات متناقضی که بیگانگان پیشنهاد کنند و آنها را بسرگردانی و گمراهی کشانند.

۷- همکاری: زن و شوهر میبایست در امور زندگی بایکدیگر تشریک مساعی کنند و مساعد و معاضد یکدیگر باشند تا از طرفی اختلال و پریشانی پیش نیاید و از طرفی دیگر هم‌بستگی و الفت زوجین مستقر و پایدار ماند.

۸- استقلال: زوجین باید در زندگی خانواده، نسبت بوظائف خویش، استقلال داشته باشند، نه آنکه یکی از آنها فرع و تابع دیگری باشد و بدیده خادمه و نوکر باونگرد بلکه هر یک از آنها بارعایت اصالت و استقلال، معاضد و مشاور دیگری می‌شود.

۹- تقرب: هر یک از زن و شوهر میبایست همسر خویش را نزدیکترین مردم نسبت بخود داند، اسرار خود را با او گویند و در مشکلات زندگی با او پناه برد و هیچکس حتی پدر و مادر خویش را باندازه همسرش خصوصی و محرم اسرار خود نداند.

۱۰- دقت در انتخاب: همسریکه باید چنین صفاتی را داشته باشد و معاشرتی که عمری باید ادامه یابد، لازمست در انتخاب همسر دقت و مراقبت شود و ازدواج بدون کنجکاو و کورکورانه صورت نگیرد.

**تطبیق:** قرآن کریم که مردوزن را بمنزله لباس یکدیگر معرفی می‌کند، تمام اموری را که موجب سعادت زوجین دانستیم، شامل می‌شود زیرا:

۱- لباس برای انسان لازمست و مثل سایر تشریفات زندگی نیست تا بتوان از آن صرف نظر کرد.

۲- در میان لباس و صاحب لباس چنان یگانگی و اتحادی موجود است که با هم حرکت می‌کنند و با هم می‌نشینند و بیننده آن دورا یکتا می‌خواند.

۳- زیبایی و زشتی لباس بصاحب لباس سرایت می‌کند و نیز عزت و حقارت او بلباسش تأثیر می‌گذارد.

۴- از لباس باید محافظت از سرما و گرما را انتظار داشت نه کارسفره و فرش و پرده را.

۵- لباس پرده‌دار و عیب‌پوش بدن انسان است و انسان پارگی و کثافت آنرا می‌پوشاند.

۶- میان لباس و پوشنده آن مقررات و قوانینی حکومت نمی‌کند.

۷- انسان لباس را می‌شوید و لباس انسان را می‌پوشاند.

۸- لباس و صاحب لباس در استقلال و اصالت مانند دو همسر نیستند، زیرا لباس تابع و پیرو صاحب خویش است. قرآن مجید باین نکته دقیق توجه فرموده و یکبار زن را بمنزله لباس مرد و بار دیگر مرد را بمنزله لباس زن معرفی فرموده است تا استقلال هر دو همسر را در بیان خویش مراعات کرده باشد، و نکته دقیق‌تر آنکه چون از نظر قرآن، در زندگی زناشوئی شوهر مسؤولیت بیشتری دارد، مورد خطاب قرار گرفته و نخست زنان را لباس مردان معرفی کرده است.

۹- لباس از متعلقات دیگر بانسان نزدیکتر است.

۱۰- برای انتخاب لباس دقت و مراقبت لازم است.

### بحث ادبی

ممکن است دانشمندان بلاغت بگویند: در هر تشبیهی اظهر خواص «مشبه به» را

بعنوان «وجه‌شبهه» اخذنموده و به «مشبه» سرایت می‌دهند چنانچه وقتی گوئیم «علی‌شیراست» تنها شجاعت و پردلی شیرا که بارزترین خصوصیات اوست در نظر گرفته و به علی‌سرایت داده‌ایم و چون گوئیم «اوماه‌است» تنها دلربائی و جذابیت ماهرا در نظر گرفته‌ایم و نیز در تشبیه چیزی به گل تنها ظرافت و لطافتش منظور است، پس در اینجا که قرآن زن و شوهر را بلباس یکدیگر تشبیه کرده است، باید تنها اظهر خواص لباس را که عیب‌پوشی است، در نظر گیریم نه خصوصیات دیگرش را.

در مقام پاسخ باید بگوئیم: در عبارت ادبات‌سامح و ایجازی مغل‌مشاهده میشود، زیرا اگر به ترسیم گربه‌ئی بگویند «این مانند شیراست» پیداست که نقش و شکل را در نظر دارند نه شجاعت را و اگر کسی بگوید «علم جدید می‌تواند ماهواره‌ئی مانند کره قمر بسازد» بسیاری از صفات ماهرا در نظر دارد نه تنها دلربائی او را، بنابراین برای تکمیل عبارت ادبا باید گفت: «وجه شبه اظهر خواص مشبه به و انطباق آنها نسبت به مشبه است با رعایت مقام مخاطب که گاهی واحد و گاهی متعدد باشد».

**از نظر دیگران:** روابط زن و شوهر در گفتار دانشمندان بشری به‌صورت و اشکالی مختلف تشبیه و مجسم شده است تا از خصایص وجه‌شبهه، وظیفه و تکلیف زوجین مشخص گردد و ایشانرا در طریق زندگانی سعادت‌مندان رهبری کنند؛ مانند:

۱- زن و شوهر دو بار مثبت و منفی می‌باشند که از اتصال آنها برق ایجاد می‌شود و از وجود برق زندگی اداره می‌گردد.<sup>۲۷</sup>

۲- ازدواج یک نوع مشارکت است میان زن و شوهر.<sup>۲۸</sup>

۳- زن و شوهر بمنزله دورکن و پایه ساختمان زندگی هستند.

۴- زن برای شوهر بمانند دسته‌گل و شوهر برای وی همانند تاج‌سراست.

اینها و مانند اینها از تشبیهات و استعاراتی که در این کتب دیده می‌شود، تنها به برخی از روابط سودمند زن و شوهر اشاره می‌کند و قطعاً هیچ‌یک از آنها بجامعیت و وضوح و سادگی کلمه «لباس» که قرآن مجید بیان فرموده نمی‌باشد.

۲۷- خانواده و بهداشت روانی . ص ۸ .

۲۸- بهداشت ازدواج . ص ۲۹۶ .

## تکمیل بهترین زندگی :

زندگی با رفاه و سعادت را هر زن و شوهری طالب است و هر کس در این باره مقاله‌ئی مینویسد یا مقالی میسراید، بگمان خود همین هدف را دارد. در مقام طرح و نقشه‌ریزی چنین زندگی، قرآن کریم را دیدیم که پیشنهادی جامع و مفید داشت، اکنون برای پیاده کردن این نقشه و عملی ساختن این برنامه هم دستورات این مکتب را بررسی می‌کنیم :

۱- ازدواج از نظر اسلام عملی است مقدس و خداپسند، زن و شوهر مسلمان با چنین دید و بینشی بان می‌نگرند. و در عین اینکه بایکدیگر آمیزش دارند و از جنبه‌های جسمانی خویش متمتع و متاخذ می‌شوند، رضایت و خشنودی خدا را در عمل خود مشاهده می‌کنند، و میان دستور آسمانی و خواهش جسمانی هم آهنگی و تعادل می‌بینند. چنین بینشی امتیاز بسیاری دارد با بینشی که برای مسیحیان قرون وسطی بود.

راسل گوید: «پولس معتقد است که مناسبات جنسی حتی در محدوده زندگی زناشویی، مانعی در راه وصول به رستگاری است»<sup>۲۹</sup> و باز گوید: کایسای اولیه در مورد نظریات پولس راه افراط در پیش گرفت؛ آنقدر که تجرد مفهوم تقدس بخود گرفت. مردها سر به بیابان نهادند...<sup>۳۰</sup> و باز گوید: «هر چند عمل جنسی پس از انجام شرایط و تشریفات بلا مانع است؛ ولی در اساس متضمن عنصر پلید و ناپاکی است»<sup>۳۱</sup> و باز گوید: «سن ژرم که آخر سلسله اولیاء الله بود، همیشه به لحنی مؤکد می‌گفت: «درخت ازدواج را با تبر تجرد از بن برکنیم»<sup>۳۲</sup>.

لیکن ازدواج از نظر اسلام چنین معرفی شده است :

الف - علی (ع) فرمود: ازدواج کنید که ازدواج سنت پیغمبر (ص) است و خودش فرموده است: هر که خواهد از سنت من پیروی کند، سنت من ازدواج است، از ازدواج

۲۹- زناشویی و اخلاق ص ۴۷.

۳۰- مأخذ سابق ص ۴۹.

۳۱- مأخذ سابق ص ۵۸.

۳۲- مأخذ سابق ص ۵۲.

خود جویای فرزند باشید<sup>۳۳</sup> ...

به- امام صادق(ع) فرمود: کسیکه از ترس فقر ازدواج نکند، به خدا بدگمان شده است<sup>۳۴</sup>.

ج- پیغمبر(ص) فرمود: «بیشتر اهل دوزخ مجردین هستند<sup>۳۵</sup>» چقدر مناسب است دارد این حدیث با آنچه دکتر جهانستان گوید: «چنانکه آمار جنایات و خودکشی‌ها نشان می‌دهد، اغلب این اعمال از طرف جوانان مجرد انجام می‌شود و کمتر یکمرد یا زن مناهل، اقدام به جنایت، جنحه، خودکشی و سایر شرارت‌های کند<sup>۳۶</sup>».

۲- اسلام ازدواج را طبق فطرت پسر و دختر از ابتدای بلوغ جایز میداند یعنی بآنها اختیار میدهد که در صورت وجود شرایط و مقتضیات اجتماعی و صلاح‌دید طرفین همسر یکدیگر شوند. اسلام ازدواج را قبل از بلوغ جایز نمیداند تا به افضاء و مفارقت نینجامد و عملی کودکانه را تصویب نکرده باشد و برای دختر و پسر بالغ، مانع تراشی نمیکند تا از فطرت عقب نماند و گرسنه را از تناول میوه رسیده - اگر چه یک در هزار باشد - جلوگیری نکرده باشد. دخترانیکه در یازده سالگی زائیده‌اند همگامی اسلام و فطرت را ثابت کرده‌اند. از طرفی دیگر خود پیغمبر اسلام وائمه هدی (دوازده پیشوای شیعه) هر کدام چند سال پس از بلوغ ازدواج کرده و دختران و خواهران خویش را (بجز حضرت فاطمه) چندسال پس از بلوغ بشوهر داده‌اند تا آزادی و اختیار مردم و رعایت جهات اجتماعی را در امر ازدواج امضا فرمایند.

۳- اسلام فکر منفور بودن و ملعون بودن زن را که مسیحیت و جاهلیت آورده و بازور و برخلاف فطرت، بر جامعه بشریت تحمیل کرده بود، از سر مردها خارج کرد و ارزش واقعی زن را بآنها معرفی نمود.

۳۳- عن علی (ع) قال: تزوجوا فان التزویج سنة رسول الله (ص) فانه كان يقول: من كان بحب ان یبع سنتی فان من سنتی التزویج، واطلبوا الولد. وسائل ج ۱۴ ص ۴.

۳۴- عن ابی‌عبدالله (ع) قال: من ترك التزویج مخافة العیلة فقد اساء بالله الظن وسائل ج ۱۴ ص ۲۴.

۳۵- ان رسول الله (ص) قال: اکثر اهل النار العزاب. وسائل ج ۱۴ ص ۸.

۳۶- خانواده و بهداشت روانی ص ۳۰

راسل گوید: نوشته‌های روحانیون مملو از سخنان تلخ و زننده نسبت به زنانست: «زن بصورت دروازه جهنم و ام الفساد جلوه کرد، و باید از فکر زن بودن خویش شرم‌منده باشد و بخاطر لفتی که باین جهان آورده است، مدام در توبه و انابه بسربرد. باید از لباس خویش شرم‌منده باشد، زیرا یادگار سقوط اوست، علی‌الخصوص از زیبایی خویش شرم‌منده باشد، زیرا قوی‌ترین ابزار شیطانست»<sup>۳۷</sup> و اما اسلام او را چنین معرفی میکند:

الف - پیغمبر (ص) فرمود: خدا بر زنان رقت و ترحم بیشتری دارد تا مردان.<sup>۳۸</sup>  
ب - و باز فرمود: هر که از سه دختر یا سه خواهر خود تکفل کند، بهشت بر او واجب شود.<sup>۳۹</sup>

ج - امام صادق (ع) فرماید: مردی نزد پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد: که را احترام کنم؟ پیغمبر (ص) سه بار درباره مادرش سفارش فرمود و بار چهارم پدرش را یاد کرد.<sup>۴۰</sup>

د - و باز فرمود: هر مردی که زنان را بیشتر دوست دارد، درجه ایمانش بیشتر است.<sup>۴۱</sup>

ه - حضرت ابوالحسن (ع) فرمود: خدا بچیزی غضب نکند چنانکه بستمگر زنان و کودکان غضب کند.<sup>۴۲</sup>

و - امام صادق (ع) فرمود: بیشتر مستضعفین اهل بهشت زن‌اند، خدا چون ضعف ایشان دانست بر آنها ترحم کرد.<sup>۴۳</sup> (به پنج روایت دیگر که در ص ۴۴ ذکر شده

۳۷- زناشویی و اخلاق ص ۶۱.

۳۸- قال رسول الله (ص) ان الله تبارك وتعالى على الاناث ارق منه على الذكور. وسائل ج ۱۵ ص ۱۰۴.

۳۹- قال رسول الله (ص) من عال ثلاث بنات او ثلاث اخوات وجبت له الجنة. وسائل ج ۱۵ ص ۱۰۰.

۴۰- عن ابي عبدالله (ع) قال: جاء رجل الى النبي (ص) فقال: يا رسول الله: من ابر؟ قال: امك.

قال: ثم من؟ قال: امك. قال: ثم من؟ قال: امك. قال: ثم من؟ قال: ابك. وسائل ج ۱۴ ص ۱۱.

۴۱- سمعت الصادق (ع) يقول: العبد كلما ازداد للنساء حياً ازداد في الايمان فضلاً، و وسائل ج ۱۴، ص ۱۱.

۴۲- ان الله عزوجل ليس يفضي لشيء كفضبه للنساء والصبيان. وسائل ج ۱۵، ص ۲۰۲.

۴۳- عن ابي عبدالله (ع) قال: اكثر اهل الجنة من المستضعفين النساء، علم الله ضعفهن فرحمهن.

مرآجه شود).

پیداست در خانواده‌ایکه شوهر همواره نگاهش بچهره دروازه جهنم و شیطان و افساد بیفتد، صفا و محبت وجود ندارد. ولی اگر شوهر به رخساری بنگرد که مورد رحمت و لطف خدا و اهل بهشت است، چهره‌اش شکفته، لبانش متبسم و دلش خرم و شادان است.

۴- راجع به صفاتی که در انتخاب همسر باید ملاحظه شود، در بحث «کفایت» توضیح دادیم که اسلام بر اصالت و نجابت تکیه دارد نه بر مال و جمال؛ زیرا مال و جمال در معرض فنا و زوال است و موجب فتنه و وبال، ولی اخلاق شایسته و ملکات فاضله، علاوه بر آنکه با روح و فطرت سرشته و عجین است، برای سعادت و مودت زوجین سرمایه‌ئی سرشار و بی‌پایان است.

۵- برای تحکیم مودت زوجین، اسلام دستور می‌دهد که شوهر قبل از ازدواج، دختر خواستگاری شده را به بیند و با تأمل و دقت در چهره و پشت سر و موی او بنگرد، در حالیکه دختر لباس نازک بر تن داشته باشد<sup>۴۴</sup>. پیداست که دختر هم در این حال پسر را می‌بیند و این خطر پیش نیاید که پس از عقد ازدواج و تلاقی طرفین ستاره آنها بگیرد و از یکدیگر انس و الفتی احساس نکنند.

امام صادق علیه السلام فرماید: اگر زن خواستگاری شده خود را به بینی به الفت و مودت میان شما کمک میکند<sup>۴۵</sup>.

۶- اسلام باکمال تأکید آزار رسانیدن زن و شوهر را یکدیگر منع کرده است، زیرا

۴۴- عبارتی را که در این جمله آورده‌ایم از ۴ روایت اخذ شده است، بدین ترتیب:

الف - «با تأمل و دقت» از روایت ۱ باب ۳۰ کتاب نکاح مستدرک الوسائل. بعبارت «فلا بأس أن یولج بصره».

ب - «در چهره و پشت سر» از روایت ۳ باب ۳۶ کتاب وسائل بعبارت «ینظر الی خلفها والی وجهها».

ج - «موی او» از روایت ۵ باب ۳۶ کتاب وسائل، بعبارت «فینظر الی شعرها».

د - «لباس نازک» از روایت ۵ باب ۳۶ وسائل، بعبارت «وترقق له الثیاب».

۴۵- لونظرت الیها احرى ان یودم بینکما. وسائل ج ۱۴ ص ۶۱.

و نیز صاحب کتاب وسائل الشیعه (مرحوم شیخ حرعاملی) ۱۲ روایت دیگر در این باره نقل میکند.

موجب کدورت و نفرت میشود . وسعادت ورفاهشان را سلب میکند .

پیغمبر (ص) فرمود : زنی که شوهرش را بیازارد ، خداوند نماز و کار نیک او را نپذیرد ، اگر چه همیشه روزه بگیرد و بنده آزاد کند و اموال خود را در راه خدا انفاق نماید . مگر زمانیکه شوهرش را خوشنود سازد و او را یاری کند و مردی که زنش را بیازارد و باو ستم کند همچنین است<sup>۴۶</sup> ...

۷- سعادت زندگی جز باصفا و محبت پیدا نشود . ازدواجی که بر اساس تجارت و داد و ستد پی ریزی شود ، خالی از مهر و مودت خواهد بود و زن و شوهر بیکدیگر با دیده بایع و مشتری مینگرند و حساب سود و زیان مادی خود را میکنند . یکی از علل تجاری شدن ازدواج سنگینی کابین است که شوهر همواره فکر میکند در این معامله مضبون است و فریب دهنده خود را هر لحظه در برابر چشم می بیند . او همواره بفکر تلافی خسارت خویش است و زن در فکر واکنش اعمال وی . تا بالاخره عشق و صمیمیت جای خود را بمبارزه و خصومت میسپارد .

علی علیه السلام فرماید : مهریه زنان را بالا نبرید که موجب دشمنی گردد<sup>۴۷</sup> .

هرگاه مردان ریاکار از این دستور اسلام سوء استفاده کرده و بهمسر کم مهر خویش بنظر حقارت بنگرند و پس از تمتع و کام یابی ، دختر را طلاق داده باسپوی شکسته بخانه پدر روانه کنند ، دختران هم بفکر سنگین کردن مهر و تعهدات دیگر افتند ، سپس در بالا بردن مهر با یکدیگر بر قابت برخیزند و مردان هم تجرد و عزوبت را بر چنین ازدواجی ترجیح دهند .

۸- اگر مرد یا زن هنگام خواستگاری ریاکاری و تدلیس کند و مزایا و محسناتی را بخود نسبت دهد که روا نباشد و یا عیوب خویش را پوشیده دارد ، و پس از عقد معلوم گردد ، عقد ازدواج بدون احتیاج بطلاق منفسخ میشود . عیوب مرد و زن و کیفیت تدلیس و حکم فسخ در کتب فقه بتفصیل بیان شده است . از جمله عیوب زن ، دیوانگی و جذام

۴۶- عن النبی (ص) قال : من كان له امرأة تؤذیه لم یقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتی تعینه وترضیه وان صامت الدهر وقامت واعتقت الرقاب و أنفقت الاموال فی سبیل الله و كانت اول من ترد النار . ثم قال رسول الله (ص) و علی الرجل مثل ذلك الوزر و العذاب اذا كان لها مؤذیا ظالما . . و مسائل ج ۱۴ ص ۱۱۶ .

۴۷- عن علی علیه السلام : لانفالوا بهموال النساء فتكون عداوة . و مسائل ج ۱۵ ص ۱۱ .



وپسی و زمین‌گیری است و نیز عیب موضعی که مانع مباشرت گردد. همین عیب در مرد هم بصورت و نامی دیگر اختیار فسخ را به‌زن می‌دهد. این عیوب در قوانین مدنی غیر اسلامی هم بشکلی محدودتر یا وسیعتر مشاهده میشود، لیکن موضوع تدلیس شایان توجه است که از نظر اسلام، فریب دادن زن شوهر را نسبت به بکارت و زیبایی و سن کم وی - در نظر برخی از فقهاء - تدلیس محسوبست<sup>۴۸</sup> ولی در قانون مدنی فرانسه بعدم رضایتی که ناشی از فریب در عقد زناشویی باشد، ترتیب اثر داده نمیشود، حتی اگر صفات پسندیده خاصی برای هر یک از زن و مرد تعریف شده باشد و سپس معلوم گردد. که همه آنها دروغ بوده و خالی از حقیقت است. دادگاههای فرانسه اینگونه فریب را بعلت اینکه فوق‌العاده زیاد و شایع میباشد، قابل ترتیب اثر ندانسته و آنرا مطرح نمیکند و لذا هر کس هرگونه فریبی بخورد و بهرگونه بدبختی دچار گردد، تا عمر دارد باید بسوزد و بسازد.

ولی برخی از فقهاء اسلام میگویند: هرگاه مردی خود را سید و هاشمی معرفی کند و پس از عقد ازدواج خلاف ادعای او ثابت گردد، زن اختیار فسخ دارد. پیداست که اسلام از وضع این مقررات نظری‌جزاین ندارد که زندگی زن و شوهر از ابتدای امر باخاوص و صفا سپری شود نه با تلخی و کدورت.

۹- احترامیکه زن مسلمان بشوهرش میگذارد، بخاطر امتثال دستور خدا و تقرب بحضرت حق است، نه برای تحمل زور و قدرتیکه شوهر نسبت باو اعمال میکند.

الف - امیر المؤمنین (ع) فرماید: جهاد زن، شوهرداری شایسته اوست<sup>۴۹</sup>.

ب - مردی نزد پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد: من زنی دارم که هرگاه بخانه روم باستقبالم آید و چون خارج شوم، مشایعتم کند، و چون مرا اندوهگین بیند، گوید: اگر برای روزی غصه میخوری، بدانکه دیگری (خدا) آنرا ضمانت کرده است، و اگر برای آخرت اندوهگینی، خدا اندوهت را زیاد کند (تا نزد خدا مقرب‌تر باشی)

۴۸- در تعداد عیوب و کیفیت آنها بین فقها اختلاف است. مثالهایی را که در تدلیس زن بیان کردیم شیخ طوسی و ابن جنید و ابن براج و نیز شافعی از عیوب موجب فسخ میدانند. ولی ابن ادریس مخالفت و تدلیس مرد را حلی نقل کرده است. حقوق مدنی زوجین ص ۱۵۲.

۴۹- جهاد المرأة حسن التبعيل. الکاشف ص ۸۰.

پیغمبر (ص) فرمود: خدا در زمین کارگردانانی دارد. این زن از کارگردانان خداست و نصف اجر شهید را دارد.<sup>۵۰</sup>

ج - پیغمبر (ص) فرمود: مرد مسلمان بعد از نعمت اسلام، بهره‌ای نبرده‌است که مانند همسری باشد که چون او را ببیند مسرور شود و چون باو کاری رجوع کند فرمان برد و چون از نزد او بیرون رود، عفت خود و مال شوهرش را حفظ کند.<sup>۵۱</sup>

د - امام صادق (ع) فرمود: بهترین زنان، زنی است که چون با همسرش خلوت کند، زره حیا از تن بکند و چون لباس بپوشد آن زره بر تن کند.<sup>۵۲</sup>  
احترامیکه زن بشوهر خود گذارد، هرگاه انگیزه‌اش این احادیث و روایات باشد، از هرگونه ریا و نفاق و شائبه تملق بدوراست و چنین روشی برای شوهر هم بسی لذت بخش و فرح‌انگیز است.

۱- تقسیم کار خانه میان زن و شوهر، هرگاه مطابق فطرت و طبیعت آنها نباشد، اختلاف و کدورت تولید کند و موجب نزاع و کشمکش شود. شوهریکه آفریدگار حکیم باو فن بچه‌داری نیاموخته‌است، اگر يك روز بآن گرفتار شود، خودش و کودک را نیمه‌جان میکند، زیرا بشره لطیف و چهره خندان و پستان پرشیر و روح دلکش و عاطفه گرمی‌راکه ابزار بچه‌داری است، خدای مهربان در وجود مادر نهفته و از پدر باز گرفته‌است. مادر علاوه بر آنکه کودک را از گریه ساکت میکند. او را بخنده و رقص و پایکوبی و امیدار، همچنین اگر مادر بمبارزه زندگی و فعالیت و درگیری قدم گذارد، کارهای سنگین و دشوار را ناقص و نارسا انجام دهد، از این رو پیغمبر اسلام در میدان جنگ نیزه و شمشیر را بدست مردان میسپرد و زنان را به پانسمن کردن مجروحین میگماشت.

۵۰- جاء رجل الى رسوله (ص) فقال: ان لي زوجة، اذا دخلت تلقنتني، واذا خرجت شيعتني، و اذارتني مهموماً قالت لي: ما بهمك ان كنت تهتم لرزقك فقد تكفل لك به غيرك. وان كنت تهتم لامر آخرتك فزادك الله همًا. فقال رسول الله (ص) ان الله عمالا وهده من عماله لها نصف اجر الشهيد. وسائل ج ۱۴ ص ۱۷.  
۵۱- قال النبي (ص) ما استفاد امرؤ مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر اليها وتطيعه اذا امرها وتحفظه اذا غاب عنها في نفسها وماله. وسائل ج ۱۴ ص ۲۳.

۵۲- عن ابي عبد الله (ع) قال: خير نساكم التي اذا خلت مع زوجها خلعت له درع الهمياء واذ البست لبست معه درع الحياء. وسائل ج ۱۴ ص ۱۵.

امام باقر (ع) فرمود: علی و فاطمه راجع به کار منزل، از پیغمبر (ص) کسب تکلیف کردند، آنحضرت کارهای درون منزل را به فاطمه داد و کارهای خارج از منزل را به علی سپرد. فاطمه گفت: خدا میداند چقدر خوشحال شدم که پیغمبر خدا (ص) گلاویز شدن با مردان را از عهده من برداشت.<sup>۵۳</sup>

۱۱ - اسلام برای زن واجب نکرده است که در خانه شوهر طبخ و شستشو کند و با کوچکترین خدمتی انجام دهد، حتی او میتواند برای شیردادن کودکش خود، از شوهر اجرت مطالبه کند؛ ولی برای او مستحب فرموده است که با رضایت خویش در خانه شوهر خدمت کند. چنین حکمی برای ایجاد الفت و صفا و محبت است؛ زیرا مردی که ببیند، همسرش با وجود آنکه الزامی ندارد، خود را برحمت و کلفت میاندازد؛ باو علاقمند میشود و او هم از ناحیه دیگر جبران میکند، و دوستی و مودت از دو جانب ادامه و تکامل مییابد.

امام صادق (ع) فرمود: هرزنی که شربت آبی بشوهرش بیاشاماند، برای او بهتر است از آنکه یکسال، روزه گیرد و شب زنده داری کند، و خدا در برابر شربت آبی که بشوهرش دهد، برای او شهری در بهشت سازد و شصت گناه او بیامزد.<sup>۵۴</sup>

پیغمبر (ص) فرمود: هرزنی که در خانه شوهرش، برای آبادی و اصلاح، چیزی را از جانی حرکت دهد و بجای دیگر گذارد، خدا باو توجه کند و هر که مورد توجه خدا باشد، عذاب نبیند.<sup>۵۵</sup>

۱۲ - اختلاف سلیقه زن و شوهر طبیعی است و شاید در روی زمین نتوان دو انسان پیدا کرد که در هر امر کلی و جزئی اتحاد سلیقه داشته باشند. اختلاف سلیقه میان

۵۳ - عن ابی عبد الله (ع) عن ابیه (ع) قال: تقاضی علی و فاطمة الی رسول الله (ص) فی الخدمه، فقضى علی فاطمة (ع) بخدمتها مادون الالباب و قضی علی علی (ع) بما خلفه، فقالت فاطمة فلا یعلم ما دخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله (ص) تحمل ارقاب الرجال. وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۲.

۵۴ - ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء الا کان خیراً لها من عبادة سنة؛ صیام نهارها و قیام لیلها و بیسی الله لها بكل شربة تسقى زوجها مدینة فی الجنة و غیرها ستین خلیفة. وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۳.

۵۵ - ان رسول الله (ص) قال: ایما امرأة دفعت من بیت زوجها شیئا من موضع الی موضع ترید به صلاحاً نظر الله الیه، و من نظر الله الیه لم یعذبه. وسائل ج ۱۵ ص ۱۷۵.

افرادی که از یکدیگر دورباشند، مشاجره و نزاعی ایجاد نمی‌کند، ولی زن و شوهریکه میبایست عمری باهم زندگی کنند و روی یک بالش سرگذارند، باید برای اختلاف‌سلیقه آنها چاره‌ای اندیشید، تا بمشاجره و نزاع منجر نشود. در اینجا اسلام مردان را مخاطب ساخته می‌فرماید: باید شما در زندگی گذشت و تسامح و اغماض داشته‌باشید.

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) پرسید: حق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود خوراک و لباس او را بدهد و اگر نادانی و جهالتی کرد، از او درگذرد؛ سپس اضافه فرمود: زن پدری داشتم که پدرم را اذیت میکرد و پدرم از او چشم پوشی مینمود.<sup>۵۶</sup>

۱۳- در دستورات اسلامی نکاتی مشاهده میشود که استقلال و اتکاء بنفس زوجین را تقویت میکند و زندگی اتکالی زیر سایه پدر و مادر را از یادشان میبرد و حتی دخالت پدر و مادر را در زندگی آنها قدغن می‌کند. به برخی از این مقررات توجه نمائید:

الف - جماعتی از یهود مدینه همسایه پیغمبر اسلام (ص) بودند و مجلس عروسی و جشنی داشتند. خدمت آنحضرت شرفیاب شده و اصرار کردند تا اجازه فرماید دخترش فاطمه (ع) در مجلس زنانه آنها شرکت کند. پیغمبر (ص) فرمود: دخترم همسر علی بن ابیطالب است و اختیارش بدست اوست. باید برای او از علی اجازه بگیرید.<sup>۵۷</sup> (من در زندگی آنها دخالت نمیکنم).

ب - از نظر اسلام تکفل مخارج زندگی زن بعهده شوهر است و بر نفقه پدر و مادر شوهر هم مقدم است، زن هر چند ثروتمند باشد مخارجش بعهده شوهر است. ولی پدر و مادر شوهر، اگر فقیر باشند و پسر آنها از مخارج خود و عیالش اضافه داشته باشد، باید بآنها کمک کند و نیز زن حق ندارد بدون اجازه شوهر، چیزی از مال او به پدر و مادر خود و یا به دیگری بدهد و یا از پدر و مادر خویش برخلاف شوهر سخنی بشنود. پیغمبر (ص) فرمود: «ملعونست، ملعون، کسیکه مفتخواری کند و کسیکه عیالش

۵۶- عن اسحاق بن عمار قال: قلت لابی عبدالله: ما حق المرأة علی زوجها الی اذا فعله کان محسناً؟

قال: یشبعها ویکسوها وان جهلت فغفر لها، وقال ابو عبدالله (ع) کانت امرأة مندابی تؤذیه فیغفر لها. وسائل

ج ۱۴ ص ۱۲۱.

۵۷- بحار الانوار ج ۴۳ ص ۳۰.

را بی‌خرجی گذارد»<sup>۵۸</sup>.

و امام صادق (ع) فرمود: مرد مسلمان را همین‌گناه بس که خانواده‌اش را بدون خرجی رها کند.<sup>۵۹</sup>

۱۴- اسلام کنجاوی در امور اختصاصی زنان را منع کرده و گفتار ایشانرا نسبت بداشتن یا نداشتن شوهر<sup>۶۰</sup> و نیز نسبت به حیض و عدم حیض و در عده بودن و نبودن او برای شوهران صادق و معتبر دانسته است. پیداست که کنجاوی شوهر در این امور، علاوه بر تزییع وقت و اشتغال فکر، گاهی بسوءظن بدون جهت و نزاع و کشمکش منجر میشود. از اینرو امام رضا (ع) فرمود: اگر مرد برای شوهر نداشتن زن گواه و شاهدهی طلب کند، آیا کسی پیدا میشود که چنین شهادتی بدهد<sup>۶۱</sup>؟ (زیرا شهادت نسبت به امر وجودی و اثباتی صحیح است نه نسبت به امر منفی و عدمی، پس در این مورد چاره‌ئی نیست. جز آنکه گفتار زن تصدیق شود).

و در روایت دیگری میفرماید: در چنین موردی گناهِش بگردن زن است<sup>۶۲</sup> (یعنی اگر شوهر داشته باشد و دروغ بگوید. خود زن گناهکار است و پیداست که این حکم در صورتی است که مرد از شوهر داری او اطلاعی نداشته باشد) و در این باره روایت دیگری از امام باقر (ع) رسیده است<sup>۶۳</sup>.

از نظر اسلام مردیکه بدون عقد بازنی هم‌بستر شده است، میتواند با او ازدواج

۵۸- قال رسول الله (ص): ملعون ملعون: من القى كفه على الناس. ملعون ملعون: من ضيغ من يعول.

و سائل ج ۱۵ ص ۲۵۱.

۵۹- عن ابي عبد الله (ع) قال: كفى بالمرء اثماً ان يضيع من يعوله. و سائل ج ۱۵ ص ۲۵۱.

۶۰- عن ابي عبد الله (ع) قال: قلت: انى تزوجت امرأة متعة فوقع فى نفسى ان لها زوجاً ففتشت من ذلك، فوجدت لها زوجاً. قال: ولم فتشت. و سائل ج ۱۴ ص ۴۵۷.

۶۱- ارایت لوسالها البيئنة كان يجده من يشهد ان ليس لها زوج. و سائل ج ۱۴ ص ۴۵۷.

۶۲- وما عليك انما اثم ذلك عليها. و سائل ج ۱۴ ص ۴۵۶.

۶۳- لا بأس ان يمسه الرجل امرأته ان رآها تزنى و سائل ج ۱۴ ص ۳۳۳.

اسلام اختیار طلاق چنین زنی را بشوهر میدهد تا اگر زن پس از زندادن از دائره عفت خارج شده و بفواحش پیوسته است او را طلاق دهد و اگر زنا دادش اجباری بوده و با اکنون واقعاً پشیمانست او را نگهدارد و از وی مراقبت کند تا فردی بر فواحش نیفزاید.

کند . امام صادق علیه السلام چنین موردی را تشبیه میفرماید به مردی که خرماي درختی را بدزد و بخورد ، سپس آن درخت را بخرد و از خرمايش نوش جان کند<sup>۶۴</sup> .  
و باز مانعی ندارد که با زن زناکاری ازدواج کند ، بشرطی که پشیمانی او را از آن عمل زشت احراز کرده باشد و نیز او را تحت مراقبت و کنترل خویش گیرد<sup>۶۵</sup> .

۱۵- برای ادامه انس و الفت ، یا رفع کدورتی که میان زن و شوهر پیدا شده است اسلام شوهر را مجبور نموده که یکشب از چهارشب را حتماً در خانه و کنار همسر خویش باشد . این امر به نام «قسم» حتی است برای زن که میتواند مطالبه کند یا از حق خود بگذرد . پیداست که بودن زیر يك سقف وسیله آشتی و الفت و فراموش کردن اختلاف و کدورت است .

شیخ بهاء الدین عاملی گوید : اگر مرد زیاده از يك زن دائمی نداشته باشد ، براو لازمست که در هر چهارشب یکشب نزد او بخوابد - سپس حکم زوجات متعدده را بیان میکند و در آخر میگوید : - شب خوابیدن نزد ایشان جهت مؤانست است و غرض مجامعت نیست<sup>۶۶</sup> .

۱۶- هرگاه اختلاف میان زن و شوهر شدت یافت و خودشان نتوانستند حل کنند ، بحکم قرآن باید شخصی از فامیل شوهر و شخصی از فامیل زن ، بعنوان ریش سفید یا گیس سفید ، پا در میان گذارند و وساطت کنند ، تا ایشانرا اصلاح و آشتی دهند . قرآن کریم چنین گوید : اگر میان آنها اختلافی دیدید ، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برانگیزید<sup>۶۷</sup> .

بطور قطع باید گفت : بهتر از پیشنهاد قرآن راهی برای اصلاح وجود ندارد ؛ زیرا اولاً داورها بیگانه نیستند تا نسجیده قضاوت کنند . ثانیاً از يك جانب نیستند تا تنها بقاضی روند . ثالثاً خود زن و شوهر نیستند تا مشاجرات گذشته تکرار شود .

۶۴- ومثله مثل النخلة اصاب الرجل من ثمرها حراماً ثم اشترها بعد فکانت له حلالاً . وسائل ج ۱۴

ص ۳۳۱ .

۶۵- سالت ابا عبدالله (ع) عن المرأة الفاجرة يتزوجها الرجل المسلم . قال : نعم ، وما يمنعه ، ولكن اذا فعل فليحمن بابه مخافة الولد . وسائل ج ۱۴ ص ۳۳۴ .

۶۶- جامع عباسی ص ۳۰۰ .

۶۷- وان ختمت شقاق بينهما فابعثوا حكما من اهله وحكما من اهله ، ان يريدا اصلاحاً يوفواهما

بينهما . نساء ۳۵ .

رابعاً شخصیت بخشیدن بداوران ، ایشانرا بکوشش در اصلاح و امیدارد . افسوس که مسلمین این عصر چنین دستور زنده و سازنده ای را فراموش کرده و زندگی تلخی را تحمل میکنند .

عباس عقاد گوید : تعجب میکنم از مسلمین مصر و شام و بیشتر کشورهای اسلام که چگونه از ارسال حکمین غفلت دارند<sup>۶۸</sup> .

۱۷- بعضی از مردان فرزند دختر را دوست ندارند و چون همسرشان دختر زاید ، ناراحت میشوند و همسر خود را هم ناراحت میکنند . گاهی این ناراحتی سالها ادامه پیدا میکند و آسایش خانواده مختل میگردد .  
پیشگیری و معالجه این خطر و نیز حقیقت گویی و صراحت لهجه اسلام را توجه فرمائید :

الف - پیغمبر (ص) فرمود : دختران چه فرزندان خوبی هستند : با عاطفه و آماده بخدمتند (بیشتر از پسران در دسترس حوائج پدر و مادرند) انس گیرنده و پربرکت و نظافتگرند<sup>۶۹</sup> .

در کلام پیرارح پیغمبر اکرم (ص) کلیه خصائص و امتیازات دختر گرد آمده است و انصافاً در توصیف و تعریف دختر سخنی جامعتر از این نمیتوان گفت . اینست معنی «اعطیت جوامع الکلم»<sup>۷۰</sup> .

ب - مردی خدمت پیغمبر (ص) نشسته بود . باو خبری دادند . رخسارش دگرگون گشت . پیغمبر (ص) فرمود ترا چه میشود ؟ گفت : خیر است . گفت بگو . گفت : از خانه بیرون آمدم و زنم درد زائیدن داشت . اکنون خبر یافتم دختر زائیده است . پیغمبر (ص) فرمود : زمین او را بدوش میگیرد و آسمان بر او سایه میافکند و خدا روزیش

۶۸- المرأة فی القرآن . ص ۱۴۴ .

۶۹- قال رسول الله (ص) نعم الولد ، البنات : ملطفات ، مجهزات ، مونسات ، مبارکات مفلیات . وسائل ج ۱۵ ص ۱۰۰ . کلمه «ملطفات» را با عاطفه معنی کردیم و مقصود معنائی است ردیف ، گرم و جذاب و لطیف و گیرا در فارسی مصطلح و نیز ، کلمه مجهزات بامعانی دیگری غیر از آنچه گفتیم مناسب است .

۷۰- یعنی خدا بمن کلمات جامع و پرمغزی تعلیم فرمود ، چنانکه علی بن ابیطالب (ع) فرمود پیغمبر اکرم (ص) بمن هزار باب دانش تعلیم نمود که از هر یک آنها هزار باب منشعب گشت .

میدهد و تو مانند گلی او را میبویی<sup>۷۱</sup> (پس چرا ناراحتی؟!)

ج - مردی بامام صادق (ع) عرض کرد: زنی دارم که هر خیری را که مردی از زنش دیده است من از او دیده‌ام تنها او بمن يك خيانت نموده که برایم دختر زائیده است. حضرت فرمود: شاید دختر را دوست نداری؟! خدا فرماید: شما نمیدانید از پدران و فرزندان کدام يك برای شما سودمندترند<sup>۷۲</sup> (شما دختر را دوست ندارید در صورتیکه شاید او برای شما از پسر مفیدتر باشد).

د - امام صادق (ع) فرمود: دختر حسنه است و پسر نعمت. خدا بر حسنه پاداش دهد و از نعمت سؤال کند<sup>۷۳</sup>.

ه - مردی که دختر دارشده بود، خدمت امام صادق (ع) رسید، حضرت او را خشمگین دید. فرمود: اگر خدا از تو میپرسید: من برای تو فرزند انتخاب کنم یا خودت انتخاب میکنی؟ (یعنی دختر یا پسر بودن آنرا) توجه جواب میدادی؟ عرض کرد میگفتم: خدایا تو انتخاب کن. فرمود اکنون خدا انتخاب کرده است<sup>۷۴</sup>.

۱۸- از نظر اسلام، پدر و برادران زن باید به داماد خود، به نظر کسی که به آنها احسانی کرده و باری از دوش آنها برداشته بنگرند. حضرت سجاد (ع) هرگاه شوهر دختر یا شوهرخواهر خود را میدید، آنها را روی عبای خود نشانیده و سپس با این جمله خوشامدشان میگفت:

مرحبا بکسیکه زحمتی به‌عهده گرفت و عورتی بیوشانید<sup>۷۵</sup> (یعنی زحمت نگهداری

۷۱- اتي رجل وهو مندالتبي (ص) فاخبر بمولود اصابه ، فتغير وجه الرجل ، فقال له النبي (ص) مالك ؟ فقال : خير . فقال : قل . قال : خرجت والمرأة تمخض ، فاخبرت انها ولدت جارية . فقال النبي (ص) : الارض تغلها ، والسماء تظللها ، والله يرزقها ، وهي ريحانة تشمها . . . وسائل ، ج ۱۵ ص ۱۱ .

۷۲- . . . ما رأی رجل من خیر فی امرأة ، الا وقد رايتہ فیها ، ولكن خانتنی . فقال وما هو ؟ قلت : ولدت جارية . فقال لملك کرهتها . ان الله عزوجل يقول «آباؤکم وابناؤکم لا تدرون ایهم اقرب لکم نفعا» .

۷۳- عن ابي عبد الله (ع) قال : البنات حسنة والبنون نعمة ، وانما يتا بعلى الحسنات ويسال عن النعمة وسائل ج ۱۵ ص ۱۰۴ .

۷۴- مستدرک الوسائل . ابواب اولاد . باب ۵ حديث ۴ .

۷۵- كان علی بن الحسین علیهما السلام اذا اتاه ختنه علی ابنته علی اخته بسط له رداء ثم اجلسه

ثم يقول : مرحبا بمن كفى المؤمنة وستر العورة . وسائل ج ۱۴ ص ۴۲ .



دختر و حفظ عفت او را بعهدہ گرفت) این جمله علاوه بر صراحت لهجه و صدق وصفائی که از آن لبریز است، موجب دلگرمی و شدت الفت زن و شوهر میشود و چه تفاوت دوری دارد با کسانی که داماد را خار چشم خود میخوانند.

۱۹- برای تکمیل الفت و محبتی که همواره میان زن و شوهر لازمست، اسلام

دستوراتی بسیار ساده و آسان داده است:

۱- پیغمبر (ص) فرمود: هر که داخل بازار شود و تحفه‌ئی بخرد و آنرا برای زن و فرزندش برد، ثوابش مانند کسی است که چیزی در راه خدا برای نیازمندان میبرد. و هنگام تقسیم دختران را بر پسران مقدم دارید.<sup>۷۶</sup>

۲- و باز فرمود: مؤمن به‌اشتهای اهلیتش غذایی خورد (یعنی هر غذایی را که آنها دوست دارند، میخورد) و منافق اهلیتش باشتهای او غذا میخورند<sup>۷۷</sup> (یعنی آنها را مجبور میکند تا غذایی را که دوست دارد بخورند).

۳- حضرت ابوالحسن (ع) فرمود: برای مرد سزاوار است به اهلیتش توسعه دهد تا آرزوی مرگ او نکنند.<sup>۷۸</sup>

۴- پیغمبر (ص) فرمود: هرگاه مردی بزنش بگوید: «من ترا دوست دارم» اثر این کلام هرگز ازدل زن بیرون نرود.<sup>۷۹</sup>

بسی جاهل و بی‌انصافست مردیکه این موجود شریف را با چنین عواطف گرم و لطیف بیازارد، و سعادت و عیشی که بایک جمله محبت آمیز فراهم میشود. با جمله دیگری از خشونت و خودخواهی سرچشمه میگیرد، تلخ و ناگوار کند.

۵- روزی پیغمبر اکرم (ص) بخانه دامادش علی رفت، فاطمه و علی را دید که با آسیاب دستی ارزن دستاس میکنند. فرمود: کدام یک خسته‌ترید؟ علی فرمود: فاطمه. پیغمبر (ص) به دخترش فرمود: دختر جان: برخیز. او برخاست؛ سپس آنحضرت

۷۶- قال رسول الله (ص): من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها الى عياله كان كحامل صدقة الى قوم محابوب وليبدا بالانث قبل الذكور. وسائل ج ۱۵ ص ۲۲۷.

۷۷- قال رسول الله (ص): المؤمن يأكل بشهوة ابله والمنافق يأكل اهله بشهوة. وسائل ج ۱۵ ص ۲۵۰.

۷۸- ينبغي للرجل ان يوسع على عياله لئلا يتمنوا موته... وسائل ج ۱۵ ص ۲۴۸.

۷۹- قال رسول الله (ص) قول الرجل للمرأة «اني احبك» لا يذهب من قلبها ابداً وسائل ج ۱۴ ص ۱۰.

بجای فاطمه با علی مشغول دستاس گردید<sup>۸۰</sup>.

تأمل در نکات روانی این حدیث شریف که از گفتار پیغمبر و علی (ص) تجلی میکند، چشم انداز وسیعی از صفا و صمیمیت و عدم تکلف را در نظر مجسم مینماید و نیز کمک کردن شوهر بزن در برخی از کارهای خانه موجب دلگرمی و مودت میشود. ۶- از مجموع نصوص آیات و روایات اسلامی استنباط میشود که برای مرد مستحب است هنگامیکه بخانه خود وارد میشود، ابتدایه «سلام» کند. بلکه ورود خود را بوسیله سلام با صدای بلند اعلام دارد و هنگام خروج از منزل با خانواده اش خدا حافظی کند<sup>۸۱</sup>.

تأثیر همین دستورات ساده و بی زحمت، در ابقاء روح صفا و الفت بر خردمندان پوشیده نیست.